

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

دوم آگست ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۳۴۱

مُلحدنامه

- ۱۰۷ -

ندانم ترا چیست؟ ای صالح خرا!
به تحقیق دانم، که می، می ننوشی
نه نیز این، که مصروع^۳ باشی تو، زیرا
همانا، که این نشوه زان روی باشد
به تحویل از مال شه، آنچه گیری
از انبار هر خاک و ریگی، که باشد
به انبارداری، غلط بود نامت
که بی باده، در نشوه^۱ و در خماری
که از غایت بخل^۲، از آن برکناری
که در قلتبانی، بسی هوشیاری
که در مال سلطان تو، بااختیاری
دگر ره، سر باز دادن نداری
ز شه دانی، و باقی از خود شماری
تو انبارخواری، نه انبارداری

* * *

^۱ - "نشوه" (به عربی "نشوة"): در حال سُکر و سرخوشی از مواد مخدر. این همان کلمه مشهوری ست، که در زبان دری "نشه" گفته شود.
^۲ - "بخل": اصلاً در معنای "عدم رواداری به دیگران" است و درینجا منظور از "امساک" و "ممسکی" و "سختی" و "کنسکی".
^۳ - "مصروع": کلمه عربی و اسم مفعول از "صرع" و مُصاب به مرض "صرع" است، که در زبان دری "مِرگی" و در زبانهای فرنگی Epilepsia خوانده می‌شود.